

فصلنامه مطالعات سیاسی
سال چهاردهم، شماره ۵۳، پاییز ۱۴۰۰
صفحات: ۱-۲۶
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۲/۱۵؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۶/۲۰
مقاله: پژوهشی

نفوذ داعش در آسیای مرکزی و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

زهرا توکلی* / کیهان برزگر** / مجید توسلی رکن آبادی***

چکیده

مقاله حاضر به بررسی خطر نفوذ داعش در آسیای مرکزی و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران می پردازد. دولت‌های فرومانده و شکننده در آسیای مرکزی توانایی ایجاد رفاه، امنیت، آموزش و آگاهی‌های لازم را برای مردم خود ندارند؛ در نتیجه، شرایط برای گرایش مردم این مناطق به افراط‌گرایی فراهم می‌شود. در راستای خطر وجود و افزایش افراط‌گرایی تکفیری در مرزهای غربی ایران (عراق و سوریه)، خطر رشد این جریان در مرزهای شرقی، آسیای مرکزی و قفقاز جدی است. به‌رغم وجود برتری ژئوپلتیک روسیه و ایران و همکاری این دو کشور برای جلوگیری از تلاش و موفقیت این جریانات در این مناطق، امنیت ملی ایران از سه جهت با خطر و چالشی جدی مواجه خواهد شد: نخست، از لحاظ گسترده شدن نا امنی در طول مرزهای شمالی، شرقی و غربی ایران به تبع گسترش افراط‌گرایی؛ دوم، استفاده ابزاری بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای از جریان‌های افراط‌گرای تکفیری در راستای رقابت استراتژیک؛ و سوم، حادث شدن مسأله افغانستان و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران. از این‌رو، تمرکز بر «همگرایی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای» می‌تواند مهم‌ترین استراتژی ایران برای مقابله با این پدیده باشد.

کلیدواژه‌ها:

افراط‌گرایی تکفیری؛ داعش؛ دولت‌های فرومانده؛ آسیای مرکزی؛ امنیت ملی ایران.

* دانشجوی دکتری علوم سیاسی (گرایش مسایل ایران)، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
tavakoli1291@gmail.com

** دانشیار گروه علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسؤول).
kbarzegar@hotmail.com

*** دانشیار گروه علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
tavasoli@gmail.com

۱. مقدمه

خطرات وجود و رشد گروه افراط گرای داعش در آسیای مرکزی و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران موضوع مورد بررسی مقاله حاضر است. گرایش مردم این منطقه به افراط گرایی؛ اساساً به دلیل دولت های فرومانده و دولت های شکننده این منطقه است که توانایی ایجاد رفاه، امنیت، آموزش و آگاهی های لازم برای مردم خود ندارند. فقدان چشم انداز اقتصادی، نبود آزادی های مذهبی و در حاشیه قرار داشتن این افراد از نظر سیاسی، از جمله دلایل گرایش مردم این مناطق به گروه های افراطی به خصوص داعش و گسترش تفکرات افراط گرایانه در این مناطق می باشد. نگرانی بیشتر در خصوص فضای کلی امنیتی در آسیای مرکزی این است که بحران سوریه موجب تجدید گروه های اسلامی ازبکستان و شاخه های وابسته به آن شده است. ضمن آنکه در این میان بازگشت عناصر سلفی- تکفیری به این کشورها با تجربه طولانی آنان در درگیری های خشونت بار افغانستان و اکنون سوریه و عراق، تقابل و منازعات در آسیای میانه و قفقاز را به سوی جنگ های داخلی خواهند برد. از سوی دیگر، آسیای مرکزی در سال های آینده کانون منازعات داخلی خواهند بود و بازیگران مختلف داخلی و خارجی در این کشورها با یکدیگر تقابل خواهند داشت که همین موضوع بر امنیت و منافع ملی ایران تأثیرگذار خواهد بود. اساساً اهمیت ژئوپولیتیک مناطق آسیای مرکزی سبب شده تا این مناطق مورد توجه قدرت های منطقه ای و فرامنطقه ای باشد؛ روسیه این مناطق را جزو حیات خلوت سنتی خود تلقی می کند، عربستان سعودی در این مناطق بستر ترویج اندیشه های افراط گرایانه را مناسب ارزیابی می کند و در کنار آمریکا، برای تحقق اهداف خود، حمایت و تجهیز از گروه های افراط گرای مذهبی را در اولویت های سیاست خارجی خود قرار داده است. کشورهای عضو ناتو، به ویژه کشورهای اروپایی و آمریکا نیز از یک سو برای دستیابی به منافع اقتصادی و تجاری در این مناطق و از سوی دیگر برای بازیگری در حیات خلوت روسیه و همچنین جلوگیری از توسعه نفوذ منطقه ای جمهوری اسلامی ایران همواره به این مناطق توجه می کنند.

در این شرایط، گسترش جریان افراط گرایی داعش در منطقه آسیای مرکزی چه تأثیری بر امنیت ملی ایران دارد؟ فرضیه مقاله این است که با توجه به جدی شدن خطر رشد نفوذ داعش در مرزهای غربی و شرقی، منافع و امنیت ملی ایران در حوزه هایی همچون، گسترش افراط گرایی و ناامنی در طول مرزهای ایران از جمله آسیای مرکزی و قفقاز، استفاده ابزاری بازیگران منطقه ای و فرامنطقه ای از جریان های افراط گرای تکفیری در قالب رقابت استراتژیک و حاد

تر شدن مسأله افغانستان و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران، دچار چالش های جدی می شود. بر این اساس، نظریه مناسب برای تئوریه کردن این موضوع «مکتب کپنهاک» و به صورت مشخص «مجموعه امنیت منطقه ای» مینا قرار خواهد گرفت.

۲. چارچوب نظری: «مکتب کپنهاک» و تأثیر افراط گرای تکفیری داعش در آسیای مرکزی بر امنیت ملی ایران

از نظر مکتب کپنهاک، امنیت منطقه ای یک نظام امنیتی است که کشورهای واقع در آن؛ دغدغه امنیتی مشابهی دارند، از نظر تاریخی، جغرافیایی و فرهنگی دارای خاطرات یا سرنوشت نسبتاً مشترکی می باشند و واحدهای تشکیل دهنده آن بر حسب نگرانی ها و درک و برداشت یکسان از تهدیدات، به منظور ایجاد و حفظ خود تن به قواعد و سازوکارهای مشخص می دهند. (ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۴۵۱) از نظر باری بوزان^۱، تحلیل امنیت در سه سطح جهانی، منطقه ای و داخلی صورت می پذیرد. در سطح جهانی بیشتر به تحلیل عملکرد و سیاست های قدرت های بزرگ توجه دارد. در سطح منطقه ای حیطه و قلمرو تحلیل محدود شده و روندها و قدرت های منطقه ای بیشتر مدنظر هستند. سرانجام سطح داخلی است که در آن شرایط، سیاست ها و عملکرد داخلی و تأثیر آن بر امنیت را مدنظر دارد. از نگاه این مکتب این سه سطح همگی باید مورد توجه دقیق علمی واقع شوند. با این حال، به نظر می رسد که باید به تحلیل های منطقه محور توجه بیشتری شود و همانطور که در کتاب مناطق و قدرت نشان داده شده، هر منطقه مقتضیات امنیتی ویژه خود را دارد، طبعاً تحلیل های امنیتی آن به شکل متفاوتی از سایر مناطق صورت می پذیرد و یکسان انگاری نظری و عملی به هیچ وجه روا نیست (بوزان، ۱۳۷۹: ۱۱).

نظر باری بوزان در خصوص امنیت منطقه ای بر این اساس است که بررسی ملاحظات امنیتی کشوری در چارچوب ملی یا سطح جهانی به تنهایی نارسا است؛ چرا که از یک سو دولت ها در خلاء زندگی نمی کنند و با محیط خود در تعاملی هستند و از سوی دیگر این منطق که امنیت هریک از دولت ها به امنیت همه مربوط می شود، پس هیچ چیز را نمی توان بدون درک همه چیز فهمید. او برای دست یابی به تحلیلی واقعی از امنیت منطقه ای به روابط

1. Barry Buzan

مبتنی بر قدرت، الگوی دوستی و دشمنی با دولت‌ها را افزود و تئوری مجموعه‌های امنیتی را مطرح کرد. در این نظریه دولت‌ها مهم‌ترین واحد تحلیل به شمار می‌آیند و بر بخش‌های نظامی و سیاسی به مثابه حوزه اصلی روابط امنیتی تأکید می‌شود. سیستم‌های منطقه‌ای و چارچوب برخورد با آن‌ها از نظر امنیتی مورد توجه قرار می‌گیرد و استقلال نسبی روابط امنیتی منطقه‌ای مشخص می‌شود.

از دیدگاه باری بوزان به سه دلیل، تحلیل امنیت منطقه‌ای در یک محیط امنیتی چند بخشی نیازمند رویکرد چند وجهی خواهد بود: نخست، در هم تنیدگی طبیعی بخش‌های مختلف (سیاسی، نظامی، زیست محیطی، اجتماعی و اقتصادی). دوم، تمایل سیاست‌سازان به ارتباط موضوعات مختلف به یکدیگر در یک تصویر و سوم اینکه نهادهای امنیتی در یک منطقه می‌کوشند موضوعات و مسائل را در چارچوب ژئوپلیتیک خود مورد بررسی و ارزیابی قرار دهند (ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۴۵۲). اساساً، وجه تمایز و ویژگی خاص مکتب کپنهاک در تحلیل ماهیت ترکیبی تهدید این است که این مکتب ابتدا تهدید را به پنج بخش نظامی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی تقسیم می‌کند و سپس وابستگی متقابل آن‌ها با همدیگر را توضیح می‌دهد. از نگاه مکتب کپنهاک، سیاست موفق آن است که تهدیدها را به چالش و مسائل امنیتی را به مسائل سیاسی تبدیل نماید و بالعکس، چون عدم تدبیر سیاسی، بر حجم تهدیدات خواهد افزود (نصری، ۱۳۸۱: ۴۳).

از این رو، بر اساس شاخصه‌های مکتب کپنهاک، ناامنی‌های به وجود آمده در مناطق پیرامونی ایران از سوی گروه‌های افراط‌گرای تکفیری، امنیت کشور را در حوزه‌های نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی تهدید می‌کند. در واقع حضور داعش در منطقه علاوه بر پیامدها و خطرات عمده سیاسی، رشد اقدامات تروریستی، تجزیه کشورهای منطقه و درگیری‌های شدید قومی و مذهبی در منطقه، سبب فرسایش قدرت امنیتی ایران در طول مرزهای شرقی و افزایش تعهدات فراملی کشور خواهد شد.

در بعد نظامی: اساساً جنگ نظامی هزینه‌های بسیاری را بر هر دولت و کشوری تحمیل خواهد کرد. حفظ امنیت نسبی همواره یکی از دغدغه‌ها و مسائل امنیتی ایران، با توجه به ناامنی کشورهای همسایه خود بوده است. در بعد نظامی؛ در صورتی که قبل از سقوط داعش در آذرماه ۱۳۹۶ مواجهه نظامی ایران با داعش صورت می‌گرفت، تهدیدات فراوانی برای ایران قابل تصور بود.

در بعد سیاسی: برقراری حاکمیت اسلامی در منطقه، بر مبنای اندیشه های سیاسی حاکم بر این گروه و اهداف و اصول اعلام شده از سوی داعش، از اهداف اصلی این گروه محسوب می شود. از سوی دیگر، موضوع افراط گرایی قومیتی همواره تهدیدی برای کشورهای درگیر با این پدیده محسوب می شود. بحران داعش بسیار پیچیده است، چون همزمان منازعات ایدئولوژیک و ژئوپلیتیک را در منطقه به هم وصل می کند. این گروه بر تنش های درون کشوری در عراق و سوریه بین شیعیان، سنی ها و کردها از یک طرف و تنش های بین کشوری میان ایران، ترکیه و عربستان سعودی از طرف دیگر تاکید می کند (Barzegar, 2015). در این بین، مسأله تجزیه طلبی یکی از موضوعاتی است که تهدیدکننده متداول امنیت کشورهای نظیر ترکیه، عراق، سوریه و ایران است. نکته ای که در صورت تهدید داعش برای ایران، می تواند برای حکومت حائز اهمیت باشد؛ واکنش گروه های تجزیه طلبی نظیر جیش العدل، پژاک، خلق عرب که بعضاً زمینه های همگرایی با تروریسم بین الملل را دارند، خواهد بود.

در بعد اقتصادی: یکی از مسائل مهم در خصوص اقدامات داعش نگرانی از تهدید این گروه افراط گرا در زمینه امنیت مسیرهای انتقال انرژی است. با توجه به رشد روند مصرف انرژی و به تبع آن افزایش میزان وابستگی به سوخت های فسیلی در عصر حاضر، یکی از چالش های جدید مسائل امنیتی، امنیت مسیرهای انتقال انرژی است چرا که در صورت تهدید جریان انرژی، اقتصاد کشورهای وابسته به منابع انرژی و سوخت های فسیلی با چالشی جدی مواجه خواهند شد. از این رو، مقابله با چالش های احتمالی تهدید امنیت منابع نفتی و خطوط انتقال آن و حفاظت از منابع انرژی و راه های مواصلاتی یکی از ضروریات امنیت اقتصادی است (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۳۰). که داعش و گروه های افراط گرا تهدیدی جدی برای بحث امنیت انرژی محسوب می شوند.

در بعد اجتماعی: امنیت اجتماعی اساساً به فرهنگ، هویت مذهبی و قومی و رسم و رسوم ها و زبان مربوط می شود. در خصوص تأثیرگذاری داعش بر افکار عمومی در جوامع، نظام جهانی با پدیده هایی مواجه بوده است. بهره مندی از رسانه های جدید و شبکه های اجتماعی مانند فیسبوک، توئیتر و تلگرام و غیره، انجام اقدامات خشن و رعب آور، هویت های مختلف اعضای داعش و فراهم کردن ظرفیت جذب بین المللی و فراملی بودن اندیشه های آن ها سبب تأثیرگذاری جدی بر جوامع مختلف و افزایش جذب نیرو از کشورهای مختلف شده است. نمونه

آن نیز در ایران در رژه ارتش در هفته مقدس در اهواز در سال ۱۳۹۷ روی داد که ناشی از جذب نیروهای داخلی به تفکرات داعش بود. مسئله درگیری میان شیعه و سنی نیز از مهم ترین مسائل ایجاد شده توسط داعش است. بنا بر درک داعش از اسلام، «شیعیان حتی مسلمان هم نیستند» و بنابراین کشتار شیعیان را بر اساس اعتقادشان، مشروع می دانند (Ghilan, 2014).

در بعد زیست محیطی: در حوزه امنیت زیست محیطی نیز داعش با توجه اقدامات صورت داده و تفکرات غالب در این گروه افراط گرا، قابلیت ایجاد تهدید و آسیب های فراوان در عرصه زیست محیطی را دارد که نمونه بارز آن؛ اقدامات داعش در تخریب بی سابقه آثار باستانی، اماکن شاخص و مذهبی و سایر نقاط مورد تسلط شان است که تهدیدی جدی محسوب می شوند. اگرچه بیشترین آسیب های داعش متوجه کشور عراق و سوریه است اما بدون تردید این اقدامات بر محیط زیست ایران اثرگذار خواهد بود؛ برای مثال، بی تردید حضور داعش در مناطق مرز مشترک ایران و عراق تمامی اقداماتی را که می تواند منجر به تثبیت خاک شود، زیر سؤال می برد و نتیجه آن، افزایش ریزگردها در ایران خواهد بود. آنچه در خصوص تهدیدات احتمالی داعش در حوزه زیست محیطی ایران، البته در صورت بالفعل شدن این تهدید در جغرافیای سرزمینی ایران، می توان پیش بینی کرد، عبارتند از: تأثیرات منفی بر آب و هوای کشور؛ متروکه شدن و رها شدن زمین های کشاورزی و باغداری؛ تخریب و انفجار سدها و بروز فاجعه های محیطی و انسانی، و آلودگی آب های روان و سفره های آب زیرزمینی. مواردی که می تواند آسیب های جدی به ساختارهای بنیادین و حیاتی یک کشور وارد نماید (احمدی فشارکی و اسماعیل زاده امامقلی، ۱۳۹۵: ۱۳۷). بنابراین، بر اساس مکتب کپنهاگ، گسترش افراط گرای تکفیری به صورت مشخص داعش، در منطقه از منظر امنیتی منافع ایران را در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، نظامی، اجتماعی و زیست محیطی در صورت عدم توجه به این مسأله و اتخاذ راهکارهای مناسب جهت کنترل تبعات حضور داعش در منطقه، با چالش هایی جدی مواجه خواهد ساخت.

۳. پیشینه تحقیق

در این راستا پژوهش هایی توسط محققان صورت گرفته که از آن جمله می توان به کتاب بایرام بالچی با عنوان «اسلام در آسیای مرکزی و قفقاز از زمان سقوط اتحاد جماهیر شوروی»

که در سال ۲۰۱۸ منتشر شده است (Balci, 2018). به مرور بر نقش اسلام در سیاست و حوزه خصوصی در آسیای مرکزی و قفقاز اشاره می‌کند که پایان یافتن اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱، نقطه عطفی بزرگ در همه جمهوری‌های شوروی سابق از لحاظ تأمل بر تاریخ و هویت خود بود که نتیجه آن توجه به اندیشه‌ها و گونه‌های مختلف اسلام و روندهای تفکر اسلامی و احیای اسلام در این کشورها بود که از ترکیه، ایران، شبه جزیره عربستان و از شبه قاره هند؛ چهار منطقه‌ای که در سال‌های قبل از قبل از حکومت شوروی ارتباط قوی با اسلام آسیای مرکزی و قفقاز داشتند. وی در این کتاب در پی تجزیه و تحلیل این است که چگونه این تأثیرات جدید اسلامی به جوامع محلی رسیده است و چگونه آن‌ها با اعتقادات و اعمال دینی از پیش تعامل داشته‌اند و گزارشی پیچیده از پویایی داخلی و تأثیرات خارجی در تکامل اسلام در منطقه ارائه می‌دهد.

همچنین الهه کولایی در کتابی با عنوان «جنبش اسلامی در قفقاز شمالی: در جستجوی خدا و آزادی، واکنش‌های صوفیان به پیشروی روسیه در قفقاز شمالی» که در سال ۱۳۹۰ توسط انتشارات علم منتشر شده است (کولایی، ۱۳۹۰)؛ به رابطه میان حوزه اندیشه‌ها و گستره واقعیت‌ها، به ویژه اینکه چگونه یک دین می‌تواند ارزش‌ها، نظام اجتماعی و فرهنگ حقوقی یک جامعه را دگرگون کند، می‌پردازد. در این مسیر توجه ویژه این کتاب به تأثیر یک حلقه عرفانی و اسلامی، یعنی «صوفی نقشبندی» بر زندگی اجتماعی، مذهبی و سیاسی مردم شمال قفقاز، به ویژه چچن‌ها و داغستانی‌ها در نیمه نخست قرن نوزدهم بوده است. در این مقاله رهبران برجسته صوفی معرفی و نقش آن‌ها در تحولات نیمه قرن نوزدهم، بررسی شده است.

نورلان ناماتو نیز در کتابی با عنوان «افراط‌گرایی مذهبی در آسیای مرکزی: گسترش طالبان در آسیای مرکزی بعد از خروج نیروهای ایساف از ناتو از افغانستان در ۲۰۱۴» که در سال ۲۰۱۴ منتشر شده (Namatov, 2014)، مطرح می‌کند که خروج نیروهای ایساف از افغانستان در سال ۲۰۱۴ زمینه را برای فعالیت بیشتر نیروهای افراط‌گرایی طالبان در منطقه آسیای مرکزی فراهم کرد. وی مطرح می‌کند که نفوذ اسلام‌گرایان افراطی در تاجیکستان و قرقیزستان و فعالیت‌هایشان در حوزه مواد مخدر و اقدامات جنایتکارانه و مواردی این‌چنینی بسیار جدی و گسترده شده است. نورلان ناماتو یکی از دلایل این اتفاق را علاوه بر خروج نیروهای ایساف از افغانستان، عدم کنترل حوزه‌های داخلی و محدوده‌های قابل توجهی از

مرزهای دولتی توسط مقامات مرکزی یا محلی کشورهای آسیای مرکزی به خصوص تاجیکستان و قرقیزستان می‌داند. ضمن آنکه این کشورها از لحاظ اقتصادی نیز وضعیت بحرانی را سپری می‌کنند. وی تأکید می‌کند که با تقویت موقعیت عربستان و قطر در قرقیزستان این کشور به عنوان پایگاه اصلی و مرکزی برای تحولات جدی آسیای مرکزی از لحاظ گسترش افراط‌گرایی مذهب محسوب می‌شود.

با بررسی پیشینه‌های تحقیق از جمله سه مورد مطرح شده فوق مشاهده می‌شود که به رغم اینکه موارد مطرح شده تا حدودی در راستای موضوع این مقاله هستند اما در موضوع حال حاضر مقاله که تأثیر نفوذ داعش در آسیای مرکزی بر امنیت ملی ایران است، توجه مشخصی و خاصی نشده است. از این رو، در این مقاله علاوه بر بررسی نقش و اهداف داعش در آسیای مرکزی، تأثیرات این نفوذ بر امنیت ملی ایران نیز مورد توجه قرار می‌گیرد.

۴. روش تحقیق

این مقاله بر آن است که با یک تحقیق جامع تاریخی، توصیفی و تحلیلی، نگاهی دقیق و جامع به ابعاد تأثیرگذار بر گسترش افراط‌گرایی تکفیری داعش در مرزهای ایران داشته باشد. به خصوص چگونگی، دلایل و اهداف اتصال افراط‌گرای تکفیری داعش در دو سوی مرزهای ایران و تأثیر آن بر کشور مورد بررسی قرار خواهد گرفت. نکته‌ای که در بررسی‌های صورت گرفته، در سایر آثار مشابه موضوع مورد نظر مقاله مشاهده نشده است و موضوع مورد بررسی این مقاله موضوعی جدید و جامع محسوب می‌شود.

۵. تجزیه و تحلیل داده‌ها

۵-۱. منابع و ظرفیت‌های ایجاد جریان افراط‌گرایی تکفیری در آسیای مرکزی

آسیای مرکزی از پنج کشور شامل قزاقستان، قرقیزستان، ترکمنستان، ازبکستان و تاجیکستان تشکیل شده است. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، اسلام‌گرایی رادیکال در آسیای مرکزی از اهمیت قابل توجهی برخوردار شده است. گروه‌های اسلامی از بازیگران تحولات دهه ۱۹۹۰ در آسیای مرکزی بوده‌اند. این گروه‌ها با بهره‌گیری از ریشه‌های عمیق باورها و تمایلات اسلامی در منطقه، تلاش‌های وسیعی را سازمان داده‌اند. ظهور طالبان در افغانستان و پیوندهای قومی این کشور با جمهوری‌های آسیای مرکزی، اثرپذیری منطقه از

تحولات سیاسی- نظامی افغانستان را شدت بخشیده است (کولایی، ۱۳۸۴: ۱۸۱). این منطقه، یکی از کانون‌هایی است که جریان افراط‌گرایی و رادیکالیسم در آن رو به افزایش است. با شکست داعش در عراق و سوریه یکی از محورهای فعالیت داعش علاوه بر افغانستان، منطقه آسیای مرکزی است. مجاورت این منطقه با کشورهای آسیب‌پذیری چون افغانستان، سبب تشدید این معضل شده است. پایان یافتن مأموریت نیروهای بین‌المللی کمک به امنیت افغانستان و خروج نیروهای نظامی از این کشور و به تبع آن احساس خلأ امنیتی در این منطقه و تضعیف اقدامات نظارتی در مرزها، از دلایلی است که سبب گسترش افراط‌گرایی در آسیای مرکزی شده اند (Asey, 2015). پنج جمهوری منطقه آسیای مرکزی مرکزی حیاتی میان چندین فضای اقتصادی هستند و شرق و غرب را به هم متصل می‌کنند. اما بی‌ثباتی سیاسی، عدم امنیت اقتصادی و اجتماعی و مرزهای فاقد نظارت، این منطقه را برای عضوگیری تروریست‌ها به محل مناسبی تبدیل کرده است. ضمن آنکه، وجود دولت‌های فرومانده و دولت‌های شکننده در این منطقه، به دلیل عدم توانایی ایجاد رفاه، امنیت، آموزش و آگاهی‌های لازم برای مردم خود شرایط را برای گرایش مردم این مناطق به افراط‌گرایی فراهم می‌کنند.

۱-۵. موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک

منطقه آسیای مرکزی یک منطقه جغرافیایی گسترده است که در قلب اوراسیا قرار دارد و پل ارتباطی میان اروپا، آسیای شرقی و شمال و جنوب قاره آسیا محسوب می‌شود. از سویی دیگر در سال‌های اخیر به دلیل کشف منابع زیرزمینی انرژی از جمله نفت و گاز به خصوص در قزاقستان و ترکمنستان و همچنین طلا در قرقیزستان و خطوط انتقال انرژی (SinghRoy, 2007) اهمیت زیادی پیدا کرده است. در واقع پس از فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۲، منطقه آسیای مرکزی به دلیل اهمیت ژئواستراتژیک، ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک (Kurecic, 2010: 23) از یک سو و همچنین خلأ قدرت موجود در این منطقه از سوی دیگر، در کانون رقابت قدرت‌های بزرگ منطقه ای و فرامنطقه ای قرار گرفت. از این رو، این عامل می‌تواند یکی از عواملی باشد که شرایط را برای حضور داعش به وجود آورده است. این منطقه به دلیل موقعیت جغرافیایی خود نقش مهمی در سیاست‌های جهانی دارد. آسیای مرکزی به عنوان یکی از شاهراه‌های ترانزیت در جهان از یک سو، باعث رقابت میان

بسیاری از کشورهای مهم منطقه ای و بین المللی برای تسلط و نفوذ در این منطقه شده است، از سوی دیگر، این موقعیت ترانزیتی فرصت مناسبی را برای برخی از تجار فراهم کرده است که به تجارت کالاهای قاچاق و پرسود از جمله تجارت اسلحه، مواد مخدر، و ... بپردازند. به عبارت دیگر قرار داشتن این منطقه در مسیر اصلی تجارت به ویژه تجارت اسلحه و مواد مخدر بستر مناسبی را برای رقابت بازیگران غیردولتی فراهم کرده است و این عامل می تواند بستر و محرکی برای حضور داعش در این منطقه باشد (اسلامی و ایاز، ۱۳۹۶: ۲۳۳).

۲-۱-۵. دولت های شکننده و فرومانده

گسترش فساد دولتی، حکومت های ضعیف و فقیر، بی ثباتی سیاسی و اقتصادی از دیگر عوامل و زمینه هایی است که سبب گسترش افراط گرایی و نفوذ گروه های تروریستی به ویژه داعش در این منطقه شده است. اساساً فقر، بیکاری، بی سوادی حاکم بر جوامع این مناطق شرایط را برای جذب مردمان کشورهای آسیای مرکزی به سمت افراط گرایی دینی فراهم کرده است. در این راستا حکومت های این منطقه برای کاهش گرایش مردم به سمت افراط گرایی، اسلام زدایی و سکولاریزه کردن امور سیاسی و اجتماعی را در دستور کار خود قرار داده اند. در قانون اساسی این کشورها دین از سیاست جدا است. در واقع توجه اصلی حاکمان کشورهای اسلامی منطقه، -البته به نظر خودشان- «ترویج اسلام خوب یعنی آنچه که برای توسعه کشور مفید بوده و دور ساختن اسلام «بد» به عنوان تهدیدی علیه ثبات کشور می باشد (اکینر، ۱۳۸۳: ۱۲۳). در این راستا می توان به برخی از اقدامات حکومت های کشورهای آسیای مرکزی اشاره کرد. در تاجیکستان قانونی تحت عنوان «دین و اتحادیه های دینی» مطرح گردید که ممکن است پیرو آن خیلی از مساجد بسته شود چون در این قانون تأکید شده است که برای فعالیت هر باب مسجد جامع در شهر دوشنبه (پایتخت تاجیکستان) حضور ۵۰ هزار نمازگزار، شهرستان ها ۱۵ هزار و روستاها دو هزار نفر ضروری است (حسین زاده، ۱۳۹۴: ۹۵). با تصویب نهایی قانون مذکور، زمینه برای بستن صدها مسجد و دور ماندن فرزندان مسلمانان از تعلیمات دینی فراهم خواهد شد. در قزاقستان نیز دولت به شدت مخالف پوشش حجاب در مدارس قزاقستان است، چرا که استفاده از نقاب مغایر با عادات و رسوم مردم قزاق است و پوشش حجاب در مدارس مشکلاتی به وجود خواهد آورد. سیاست هایی که می تواند نتیجه ای معکوس در پی داشته باشد. چرا که با توجه به مذهبی بودن

مردم این منطقه، احتمال می رود که اقدامات دولت های مرکزی به گونه ای دیگر زمینه را برای افراط گرایی و در راس آن حضور داعش و پیوستن مردم به آن برای احیای هویت خود و فرار از سردرگمی هویتی فراهم کند(اسلامی و ایاز، ۱۳۹۶: ۲۳۳).

وجود فقر اقتصادی از دیگر منابع و ظرفیت های حضور داعش در آسیای مرکزی است. کشورهای این منطقه با اقتصادی ضعیف و شکننده، تورم بالا و فقر مواجه هستند. اقتصاد همه کشورهای آسیای مرکزی، رانتی است اما همه آن ها از منابع خام فروشی مواد معدنی (آلومینیوم و طلا) تأمین می شوند؛ ازبکستان مقادیری پنبه و قرقیزستان طلا دارد. منبع اصلی درآمدهای قزاقستان و ترکمنستان هم خام فروشی نفت و گاز است (Kurecic, 2010:27). با توجه به ساختار تک محصولی و رانتی کشورهای منطقه، مشکل اساسی کشورهای مزبور، عدم توزیع مناسب درآمدها است، به گونه ای که باعث نارضایتی عمومی شده است.

بنا بر آمار بانک توسعه آسیایی، در قرقیزستان و تاجیکستان از فقیرترین کشورهای آسیای میانه، حدود ۳۰ درصد از مردم تاجیکستان در سال ۲۰۱۷ در زیر خط فقر در این کشور بوده اند. در قرقیزستان نیز حدود ۲۵,۶ درصد مردم زیر خط فقر بوده اند (Bhutia, 2019). این فقر، آسیب پذیری جدی برای این کشورها در پی داشته است که نتیجه آن؛ پیوستن بسیاری از مردم فقیر این منطقه به خصوص جوانان به گروه داعش است. در واقع با وجود فقر در این کشورها، سازمان های مذهبی و گروه های افراط گرا از جمله حزب التحریر برای اجرای برنامه های سیاسی خود از جمله مبارزه با حکومت های سکولار حاکم در منطقه از این وضعیت استفاده و بسیاری از مردم را به سمت خود جذب کردند.

۳-۱-۵. بنیادگرایی و توسعه نیافتگی اسلامی

در کنار عامل فقر، عدم آشنایی اسلام گرایان این مناطق با اصول اساسی اسلام به دلیل محدودیت هایی که توسط نخبگان سیاسی ایجاد شده؛ سبب گرایش جوانان این مناطق به فعالیت های تند و خشن شده است. در اوایل دهه ۱۹۹۰ برخی از گروه های افراط گرا با هدف مبارزه با دولت های سکولار در این منطقه به ویژه دره فرغانه ظهور کرده و به فعالیت های مخفی پرداختند. دولت های موجود در این منطقه نیز وجود گروه های افراط گرا و حتی احزاب اسلامی مرتبط با آنان را ممنوع اعلام کردند. به طوری که برخی از احزاب از جمله حزب التحریر در این منطقه ممنوع فعالیت شدند و حضور آن ها غیرقانونی اعلام شد

(Mori,2016:10). با این وجود این احزاب همچنان از حمایت مردمان خود به خصوص جوانان برخوردارند که مهم ترین دلایل آن وجود فقر، بی سوادى و ناآگاهی نسبت به شناخت صحیح از اسلام است. علاوه بر این، مرزهای گشوده شده به روی مبلغان دینی پاکستان، افغانستان و عربستان سعودی نیز سبب تأثیر بر تجدید حیات و افراطی سازی اسلام و اندیشه وهابیت شده است. این عناصر بیرونی به طور ویژه توسعه مساجد و مدارس اسلامی را در پی داشتند که زمینه آموزش از خارج کشور را برای ایجاد نهضت های رادیکال به وجود آوردند (Mori,2016:9) به ویژه عربستان سعودی که توانست اندیشه وهابیت را در بین مسلمانان این منطقه گسترش دهد. با توجه به نزدیکی اندیشه وهابیت به منابع اندیشه ای داعش، اندیشه وهابیت سبب جذب سریع تر مردم این منطقه به تفکرات داعشی شده است. از این رو، توسعه نیافتگی اندیشه های اسلام می تواند، یکی از دلایل نفوذ داعش در آسیای مرکزی و جذب برخی از مسلمانان این منطقه به داعش باشد.

۲-۵. اهداف داعش از حضور در آسیای مرکزی

داعش پس از سقوط نظامی در آذرماه ۱۳۹۶، حضور خود را به سمت مناطقی چون شمال آفریقا، جنوب آسیا، افغانستان و به طور گسترده ای در آسیای مرکزی گسترانده است. از بین این مناطق، منطقه آسیای مرکزی به دلیل قرارگرفتن دو کشور پاکستان و افغانستان در همسایگی این منطقه و همچنین برخوردار بودن از موقعیت ژئوپلیتیکی و استراتژیکی از اهمیت ویژه ای برای این گروه برخوردار است. از این رو، اهداف داعش از حضور در آسیای مرکزی را می توان موارد زیر دانست:

۱-۲-۵. اهمیت استراتژیکی و ژئوپلیتیکی آسیای مرکزی

موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیکی آسیای مرکزی، منابع و ذخایر فراوان نفت و گاز، موقعیت گذرگاهی- ارتباطی، ارزش استراتژیکی و ژئواکونومیک دریای خزر، کنترل تولید منابع و خطوط لوله انرژی، توان تأثیرگذاری بر بحران های منطقه باعث شده است که قدرت های منطقه ای و فرامنطقه ای برای تحقق اهداف خود و پر کردن خلاء قدرت بعد از فروپاشی اتحاد شوروی در آسیای مرکزی به رقابت بپردازند. در واقع، آسیای مرکزی در حد فاصل اروپا در غرب، آسیا در شرق، روسیه در شمال و جهان اسلام در جنوب قرار گرفته است. کشورهای این منطقه محصور در خشکی هستند و تنها به واسطه خاک کشورهای همجوار به آب های آزاد دسترسی دارند. منطقه آسیای مرکزی دومین ذخایر انرژی دنیا (نفت و گاز) را در اختیار دارد.

علاوه بر این، تعداد زیادی از معادن فلزهای کمیاب مانند طلا، مس، اورانیوم و فلزات سنگین در این منطقه واقع شده‌اند. این منطقه در محل برخورد و تقاطع فرهنگ های شرق و غرب، از جمله فرهنگ ترکی و اسلامی و از نظر تاریخی در مسیر جاده ابریشم قرار گرفته است. از اینرو ویژگی های استراتژیک و ژئوپلیتیک این منطقه از عواملی است که سبب جلب توجه داعش به این منطقه شده است و بهره مندی و تسلط بر منابع انرژی و ترانزیت در این منطقه می تواند از اهداف مهم داعش در این منطقه باشد.

۲-۵. نفوذ در دو کشور افغانستان و پاکستان

داعش خواهان تاسیس استان بزرگ و مورد نظر خود در منطقه غرب آسیا به نام «خراسان» است. آنچه از آن به عنوان خراسان نام برده می شود، تقریباً مناطقی چون جغرافیای افغانستان، ایران، پاکستان، آسیای مرکزی را در بر می گیرد (Giustozzi, 2016). گروه داعش خواهان این است که مرزهای ملی میان دولت های آسیای میانه، ایران و افغانستان و پاکستان را برداشته و همه آن ها را در قالب یک موجودیت واحد تحت نام خراسان بزرگ با هم یکی کنند. از نگاه تمیم عاصی، معاون پیشین معاون سیاسی و استراتژی وزارت دفاع افغانستان، داعش سه هدف اصلی را از ایجاد خراسان بزرگ پیگیری می کند: الف) تصرف یک جغرافیا و ایجاد پناهگاه های امن در داخل خاک افغانستان و پاکستان؛ ب) جمع آوری تمامی گروهک های تروریستی و سلفی تحت یک چتر و ادامه جنگ علیه حکومت افغانستان و نیروهای خارجی مستقر در افغانستان؛ ج) هدف گیری ایران، روسیه و آسیای مرکزی و منافع این کشورها از طریق راه اندازی جنگ فرقه ای در افغانستان و پاکستان (عاصی، ۱۳۹۷).

موارد دیگر از اهداف داعش از تشکیل خراسان بزرگ شامل موارد زیر می شود: «ایجاد پناهگاه های امن در مکان های خاص به خصوص در مناطق کوهستانی- که براحتی قابل دفاع هستند-»، «ارتباط گیری با گروه های افراطی هم فکر از جمله طالبان و جلب و جذب آن ها»، (Giustozzi, 2016) «ایجاد شبکه وسیع مالی و لجستیکی برای تکمیل عملیات ها»، «طرح و راه اندازی حملات گروهی و انتحاری علیه شیعیان و مراکز آن ها در شهرهای بزرگ افغانستان به دلیل ایجاد یک جنگ فرقه ای مانند عراق و سوریه» (عاصی، ۱۳۹۷). از این رو، حضور در آسیای مرکزی دستیابی به خراسان بزرگ و نفوذ در کشورهای افغانستان و پاکستان را تسهیل خواهد کرد.

۳-۲-۵. تلاش جهت نفوذ در روسیه

با توجه به اهمیت روسیه برای داعش، نزدیکی منطقه آسیای مرکزی به روسیه و جذب راحت تر اعضای جدید از این منطقه به سوی داعش به دلیل آشنایی بیشتر مردم این منطقه به زبان و فرهنگ روسی، این منطقه موقعیت استراتژیکی ویژه ای را برای این گروه فراهم می کند. مداخله روسیه در جنگ داخلی سوریه در ۳۰ سپتامبر ۲۰۱۵ شروع شد. این مداخله شامل حمله هوایی روسیه علیه داعش و دیگر مخالفان حکومت سوریه است. پیش از این مداخله، نقش روسیه در این جنگ عمدتاً شامل تسلیح نیروی زمینی سوریه بود. پس از حملات جدی روسیه علیه داعش، این گروه در پیام هایی ویدئویی، روسیه حامی بشار اسد رئیس جمهور سوریه را تهدید به انجام اعمال تروریستی کرد و از هواداران خود خواست، اهدافی در روسیه را هدف قرار دهند (دویچه وله، ۲۰۱۶). در پیامی صوتی منتسب به ابوبکر البغدادی، رهبر داعش تهدید کرد، تمام کسانی که علیه داعش وارد جنگ شده اند از آمریکا، اروپا، روسیه و یهود بهای سنگینی پرداخت خواهند کرد و پشیمان خواهند شد (ایسنا، ۱۳۹۴). در یکی از پیام ها با انتشار فیلم ویدئویی صحنه هایی از انفجار خودروی حامل تروریست انتحاری در جمهوری داغستان (در منطقه قفقاز روسیه) نشان داده شد که در آن گروه تروریستی داعش مسئولیت انفجار و کشته شدن ۲ مامور پلیس را برعهده گرفت. سپس تروریست ها در نوار ویدئویی به زبان روسی گفتند که جنگ آوران ابوبکر البغدادی، سرکرده داعش هستند (ایرنا، اسفند ۱۳۹۴). از دلایل اصلی مداخله روسیه در بحران سوریه در کنار دلایل «احساس سطح بالایی از تهدید (همانند بحران افغانستان)»، «احساس سطح بالای منافع ژئوپلیتیکی (همانند لیبی)» و یا «سطح متوسطی از هر دو مورد یعنی احساس تهدید و منافع ژئوپلیتیکی (همانند سوریه قبل از ۲۰۱۵)» (Charap, 2019)، می توان به انتقام جویی در برابر آمریکا به دلیل رفتار ضد روسی آن از زمان جنگ روسیه و گرجستان در سال ۲۰۰۸، نابودی داعش با هدف صلح و ثبات منطقه ای (Oligie, 2019) و به عبارتی دور کردن خطرات داعش از این کشور و خارج نزدیک روسیه اشاره کرد که با توجه به اقدام رسمی نظامی از سوی روسیه و واکنش های داعش، به نظر نمی رسد که روسیه در تحقق این هدف خود - دور کردن خطرات داعش از این کشور و خارج نزدیک روسیه - موفقیت کامل را بدست آورده باشد. چراکه در این راستا، وزارت کشور روسیه در بیانیه ای اعلام کرد: اطلاعات به دست آمده از این امر حکایت دارد که تا کنون حدود ۳۱۰۰ نفر از شهروندان روسیه این کشور را به منظور پیوستن و ملحق شدن به گروه

تروریستی داعش ترک کرده‌اند. وزارت کشور روسیه تاکید کرده است که این تعداد در حال جنگیدن در کنار نیروهای تروریستی داعش در عراق و سوریه هستند. ظاهراً زبان روسی، پس از عربی و انگلیسی محبوب‌ترین زبان تبلیغاتی داعش است. اعضای این گروه پیام‌های خود را از طریق هزاران حساب و سایت اینترنتی روسی مانند «اودنوکلانیک» که نسخه روسی فیس‌بوک است، منتشر می‌کنند. داعش حتی در سال ۲۰۱۵ اقدام به چاپ مجله در روسیه کرد. برآورد نهادهای اطلاعاتی روسیه نشان می‌دهد دست کم ۷ هزار نفر از کشورهای شوروی سابق عضو داعش هستند که اکثر آن‌ها شهروندان روسیه هستند (دنیای اقتصاد، ۱۳۹۵). در این راستا بر اساس اظهارات یکی از کارشناسان روسی؛ گروه تروریستی داعش با هدف برقراری ارتباط میان تروریست‌های فعال در سوریه و عراق و علاقه مندان به داعش در جمهوری‌های شمال قفقاز روسیه، کارزار تبلیغاتی خود علیه روسیه و جمهوری‌های شوروی سابق را شدت بخشیده است. در ترکیب این گروه واحدی ایجاد شده است که به پخش مطالب برای کاربران روسی زبان از طریق شبکه‌های اجتماعی از جمله توئیتر و فیس‌بوک می‌پردازد و در بیانیه‌ای که از طرف داعش به زبان روسی در یکی از شبکه‌های اجتماعی منتشر شد، شمال قفقاز یکی از ولایات خلافت اعلام شده است (ایرنا، تیر ۱۳۹۴).

۴-۲-۵. تضعیف و ناامن کردن ایران

با توجه به نزدیکی و همسایگی کشورهای آسیای مرکزی به جمهوری اسلامی ایران از یک سو و ویژگی‌های ایران (فارسی زبان بودن، شیعه بودن، مخالف گروه‌های تکفیری و تروریستی) از سوی دیگر، یکی از اهداف داعش از نزدیکی و تسلط بر آسیای مرکزی را می‌توان ناامن کردن محیط امنیتی ایران دانست. شیعه بودن ایران و داشتن رویکرد مقابله با تفکرات و اندیشه‌های افراطی، علاوه بر تضاد داشتن با ایدئولوژی داعش، مانع بزرگی در راه گسترش این گروه تروریستی محسوب می‌شود. در این راستا می‌توان به تفکرات رهبر اولیه داعش ابومصعب الزرقاوی از (۲۰۰۳ تا ۲۰۰۶، رهبر القاعده عراق) اشاره کرد که دشمن اصلی خود را شیعیان می‌دانست (دبیرخانه کنگره جهانی مقابله با جریان‌های افراطی و تکفیری، ۱۳۹۵). در واقع هدف داعش در این خصوص، نزدیکی به ایران، مورد تهدید قرار دادن منافع آن به ویژه در آسیای مرکزی، ناامن کردن محیط امنیتی ایران، حتی نفوذ و یارگیری در این کشور است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که یکی از مهم‌ترین اهداف داعش مهار شیعه و در رأس آن

ایران است. در واقع داعش برای حضور و نفوذ در این منطقه دو هدف عمده را دنبال می کند؛ نخست، قرار دادن خود در حالت بزرگنمایی و یا قدرتمند نشان دادن خود و دوم، با گشودن جبهه ای دیگر در مقابل خود بتواند مواضع بهتری برای مقابله و یا دفاع به وجود آورد و دچار ضعف نشود. داعش با استفاده از استراتژی گسترش تهدید، امکان آزادی عمل را برای خود فراهم کرده و سعی دارد اهداف گفته شده را محقق سازد (اسلامی و ایاز، ۱۳۹۶: ۲۳۸).

۳-۵. پیامدهای حضور داعش در آسیای مرکزی برای امنیت ملی ایران

حضور داعش در منطقه علاوه بر پیامدها و خطرات عمده سیاسی، رشد اقدامات تروریستی، تجزیه کشورهای منطقه و درگیری های شدید قومی و مذهبی در منطقه، سبب فرسایش قدرت امنیتی ایران در طول مرزهای شرقی و افزایش تعهدات فراملی کشور خواهد شد. با توجه به همسایگی، وجود منافع متقابل و پیوندهای مشترک میان ایران و ۵ کشور آسیای مرکزی از لحاظ فرهنگی، اقتصادی، این منطقه برای ایران حائز اهمیت است. در صورت متصل شدن این جریان افراطگرایی در دو سوی مرزهای ایران به یکدیگر، امنیت ملی ایران از سه جهت عمده با خطر و چالشی جدی مواجه خواهد شد: نخست، از لحاظ گسترده شدن ناامنی در طول مرزهای شمالی، شرقی و غربی ایران؛ دوم، استفاده ابزاری و استراتژیک بازیگران منطقه ای و فرامنطقه ای؛ و سوم، حادثه شدن مسأله بی ثباتی افغانستان و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران.

۱-۳-۵. گسترده شدن ناامنی در طول مرزهای شمالی، شرقی و غربی ایران

حضور و نفوذ داعش در مرزهای شرقی ایران- افغانستان و پاکستان- و کشورهای آسیای مرکزی در کنار گروه های افراط گرای القاعده و طالبان از یک سو، سبب وقوع جنگ های فرقه ای و مذهبی در این مناطق خواهد شد که به تبع آن امنیت مناطق مرزی ایران را با چالشی جدی تر مواجه خواهد ساخت. از سوی دیگر، همانطور که یکی از چالش های جدی امنیتی ایران به خصوص در مرزهای جنوب شرقی و جنوب غربی کشور، حضور گروه های افراطی مانند جیش العدل و الاحوازیه است؛ حضور داعش در مرزهای شرقی و شمال شرقی ایران سبب تقویت بیشتر و پیوند گروه های افراطی مرزی ایران با داعش و تفکرات تکفیری خواهد شد. در این راستا می توان به اقدامات این گروه تروریستی در حمله به مجلس شورای اسلامی و حرم امام خمینی (ره) در ۱۷ خردادماه ۱۳۹۶ اشاره کرد که منجر به شهید و زخمی شدن تعدادی از ایرانیان شد. همچنین اقدام تروریستی داعش در حمله به رژه ارتش در اهواز در هفته دفاع مقدس در مهر ۱۳۹۷ نیز نمونه ای دیگر از مورد تهدید قرار گرفتن امنیت ملی کشور است.

ضمن آنکه؛ با توجه به فقر مردم در شهرهای مرزی کشور به خصوص منطقه سیستان و بلوچستان که نزدیکی مرزی با پاکستان و افغانستان دارد، و عدم توجه دولت به رفاه این منطقه، در صورت جذابیت تفکرات تکفیری داعشی با توجه به اقدامات تبلیغی بسیار این گروه، می تواند شرایط را برای جذب بیشتر جوانان این منطقه فراهم کند. نتیجه این موضوع، بدون تردید افزایش چالش های امنیتی ایران در کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت خواهد بود. در واقع، بعد از تضعیف داعش در منطقه شامات (عراق و سوریه)، و افزایش فعالیت این گروه تروریستی در مناطق بی ثبات از جمله شمال آفریقا (لیبی) و آسیای مرکزی و قفقاز، داعش از ویژگی های ژئوپلیتیک محلی برای موفقیت خود استفاده می کند. از اینرو، بسیج نیروهای محلی از جمله در منطقه آسیای مرکزی برای مبارزه با داعش ضروری می شود. (برزگر، ۱۳۹۵).

۲-۳-۵. استفاده ابزاری و استراتژیک بازیگران منطقه ای و فرامنطقه ای

آسیای مرکزی در سال های آینده کانون منازعات داخلی خواهند بود و بازیگران مختلف داخلی و خارجی در این کشورها با یکدیگر تقابل خواهند داشت که همین موضوع بر امنیت و منافع ملی ایران تأثیرگذار خواهد بود. اساساً اهمیت ژئوپلیتیک مناطق آسیای مرکزی سبب شده تا این مناطق مورد توجه قدرت های منطقه ای و فرامنطقه ای باشد؛ روسیه این مناطق را جزو حیات خلوت سنتی خود تلقی می کند، عربستان سعودی در این مناطق بستر ترویج اندیشه های افراط گرایانه را مناسب ارزیابی می کند. کشورهای عضو ناتو، به ویژه کشورهای اروپایی و آمریکا نیز از یک سو برای دستیابی به منافع اقتصادی و تجاری در این مناطق و از سوی دیگر برای بازیگری در حیات خلوت روسیه و همچنین جلوگیری از توسعه نفوذ منطقه ای جمهوری اسلامی ایران همواره به این مناطق توجه می کنند. از این رو؛ تضعیف حکومت های مرکزی به سبب حضور و نفوذ گروه های افراطی از جمله داعش، این منطقه شرایط را برای تسریع و شدت رقابت میان بازیگران منطقه ای و بین المللی فراهم می کند. همین امر سبب مورد خطر قرار گرفتن منافع و امنیت ملی ایران خواهد شد.

اساساً، یکی از دلایل اصلی رقابت استراتژیک کشورهای منطقه ای و فرامنطقه ای نسبت به آسیای مرکزی، وجود منابع انرژی گسترده در این منطقه است. اما نکته ای که وجود دارد این است که نبود زیرساخت های لازم در کشورهای این منطقه و همچنین دشواری دستیابی به

منابع انرژی کشورهای این منطقه از طریق همسایگان، سبب رقابت بازیگران منطقه ای و فرامنطقه ای جهت تسلط و کنترل بیشتر بر منابع انرژی کشورهای این منطقه شده است. ضمن آنکه دو قدرت بزرگ منطقه - چین- و فرامنطقه ای - آمریکا- با تسلط بر انرژی این منطقه در تلاش برای کاهش وابستگی خود به ترانزیت و انتقال نفت و گاز آسیای مرکزی از طریق روسیه هستند.

تلاش برای تسلط و کنترل فرایندهای منطقه‌ای از مهمترین اهداف اقتصادی و ژئواستراتژیک آمریکا در منطقه است. دسترسی به منابع نفتی خزر در استراتژی امنیت ملی آمریکا به عنوان منفعت حیاتی و حساس این کشور تعریف شده و این کشور استراتژی چندجانبه‌ای را در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی برای حضور خود در این منطقه تعریف کرده است. در این استراتژی، گسترش ناتو به شرق در قالب «برنامه همکاری برای صلح» به عنوان عاملی برای تکمیل حلقه‌های اوراسیا و تسلط بر محورهای امنیتی منطقه پیش‌بینی شده که در عین حال، ضمن کنترل روسیه، باعث مهار ایران نیز شده و سیاست «منطقه بدون ایران» به عنوان سیاست محوری آمریکا در منطقه را پیش می‌برد. ولی در این بین، مهم این است که آمریکا قصد دارد در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی حضور خود را در منطقه گسترش داده و به تدریج مسلط گردد. این کار از طریق نهادسازی، تقویت ارتباطات منطقه با نهادهای غربی نظیر ناتو، سازمان امنیت و همکاری اروپا، اتحادیه اروپا و سازمان تجارت جهانی و افزایش حضور نظامی در منطقه صورت می‌پذیرد. در همین راستا، قطع وابستگی منطقه به کشورهای منطقه‌ای نظیر روسیه، چین و ایران، از طریق ایجاد ارتباطات متعدد و گوناگون فراملی، از جمله سیاست‌های رسمی دولت آمریکا است. همین مساله دامنه ارتباطات و وابستگی‌های فرامنطقه‌ای کشورهای آسیای مرکزی، قفقاز و حتی کشورهای اروپای شرقی را بالا برده و از میزان تسلط کشورهای مرکز برای کنترل تعاملات منطقه‌ای می‌کاهد (شعر دوست، ۱۳۹۲).

از طرفی روسیه نیز سعی می‌کند تا نفوذ چین را در آسیای مرکزی تا حد ممکن ضعیف نگه دارد و در عین حال با همکاری چین جلوگیری از قدرت‌نمایی و نفوذ بیشتر آمریکا در این منطقه را که در دهه ۱۹۹۰ در پی خلاء امنیتی ایجاد شده پس از فروپاشی شوروی و تضعیف نفوذ روسیه در این منطقه افزایش یافته است، دنبال می‌کند (Kurecic, 2010: 23-24). اساساً اهمیت سیاسی، اقتصادی و نظامی آسیای مرکزی سبب شده است که روسیه همچنان آن را حوزه نفوذ خود بداند و با خارج نزدیک دانستن آن، مانع نفوذ قدرت‌های رقیب شود. روسیه با

حفظ این مناطق قادر است که نخست امنیت خود را تأمین کند، دوم منافع سیاسی و اقتصادی خود را به دست آورد و سوم با تسلط بر منابع انرژی و حفظ انحصار خود بر آن در مواقع لازم از ابزار انرژی جهان و خریدار اصلی تولیدات انرژی منطقه، سعی در حفظ جایگاه خود و کنترل نفوذ دیگر کشورها را دارد (شعر دوست، ۱۳۹۲).

چین نیز می خواهد منطقه را تحت تأثیر قرار دهد، نه با توانایی های استراتژیک، بلکه با نفوذ اقتصادی و سیاسی خود که به سرعت در حال افزایش است. در واقع طی سه دهه اخیر در کنار افزایش نفوذ آمریکا در این منطقه، نفوذ روسیه نیز بازگشته و بازیگر منطقه ای جدید دیگری چون چین وارد این بازی استراتژیک شده است. نگاه چین به این منطقه از یک سو امنیتی است و از سوی دیگر دستیابی به منابع انرژی همسایگانش است. چین در این منطقه از مجموعه ای از مزیت ها نسبت به روسیه به عنوان بزرگترین بازیگر منطقه ای و نیز نسبت به بازیگران فرامنطقه ای یعنی آمریکا و اتحادیه اروپا برخوردار است. چین با توجه به قدرت فزاینده اقتصادی خود، نفوذ قدرتمندی در ساختارهای اقتصادی منطقه به دست آورده است. وجود ذخایر عظیم نفت و گاز در حوزه خزر که در آینده می تواند وابستگی نفتی چین به انرژی خاورمیانه را کاهش دهد از یک سو، و بازار خاص و بزرگ منطقه جهت صدور کالاهای چینی و نیاز این جمهوری ها به سرمایه گذاری شرکت های چینی در بخش های صنعتی از سوی دیگر، همگی پکن را تشویق به حضور فعالانه در تحولات این منطقه کرده و آسیای مرکزی جایگاهی ویژه در سیاست خارجی چین پیدا کرده است. (شعر دوست، ۱۳۹۲: ایسنا) ایران و ترکیه نیز وارد این بازی شده اند، اما تأثیر و قدرت آن ها را نمی توان با قدرت و نفوذ ایالات متحده آمریکا، روسیه و چین مقایسه کرد (Kurecic, 2010:36).

۳-۵. حادثه شدن مسأله بی ثباتی افغانستان و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران

تقویت دوباره داعش در افغانستان با عنوان داعش خراسان می تواند نگرانی های امنیتی افغانستان را از دو جهت، بیشتر کرده و چالش و پیچیدگی زیادی را در وضعیت ثبات افغانستان ایجاد کند. نخست، تشدید شکاف میان جناح های طالبان و تقسیم آن ها به موافقان و مخالفان ثبات در افغانستان و همراهی یا مقاومت در مقابل داعش خراسان (ناجی، ۱۳۹۸) با تقویت داعش در خاورمیانه و از جمله افغانستان، بدون تردید عده ای از اعضای طالبان، از بدنه اصلی طالبان جدا خواهند شد و به شاخه خراسان داعش ملحق می شوند و در تلاش برای ایجاد

سازمان جدید و انشعابی تروریستی می‌شوند که نسبت به اسلاف خود ترجیح می‌دهند شدت عمل به خرج دهند چرا که بر اساس اظهارات مقامات آمریکا بین طالبان و داعش دشمنی وجود دارد و تهدید این سازمان (تروریستی) ممکن است به فراتر از افغانستان کشیده شود. در واقع داعش خراسان دشمن قسم خورده طالبان است. (Epstein & Haltiwanger, BusinessInsider, Aug 27, 2021) وقتی شکاف درون‌گروهی طالبان مخصوصاً افزایش پیدا کند، روند ثبات افغانستان نیز دچار پیچیدگی بیشتر می‌شود.

دوم، تکثیر و باز احیای داعش در مناطق خارج از کنترل دولت افغانستان؛ پس از تضعیف شدید داعش در خاورمیانه مخصوصاً عراق و سوریه، این گروه تکفیری به تقویت خود در سایر مناطق جهان مخصوصاً کشورهای جنگ زده مانند افغانستان اقدام کرده است. از آنجایی که ظرفیت فرهنگی رشد و تکثیر گروه‌های تروریستی مخصوصاً در مناطق روستایی افغانستان فوق‌العاده زیاد است، با کوچک‌ترین جرقه، دامنه گسترش تروریسم و بنیادگرایی مذهبی تحت هر نام و عنوان به‌سادگی امکان‌پذیر است (ناجی، ۱۳۹۸). در حال حاضر نیز با توجه به سقوط دولت افغانستان و در اختیار گرفتن حکومت این کشور، داعش خراسان (ISKP) در حال تجدید قوای خود است. مخصوصاً پس از آنکه طالبان کابل را تصرف کرد، هزاران تن از زندانیان داعش خراسان آزاد توسط طالبان در ۱۵ آگوست ۲۰۲۱ آزاد شده‌اند (Epstein & Haltiwanger, Business Insider, Aug 27, 2021). نتیجه این بی‌ثباتی افغانستان و آزاد شده زندانیان توسط طالبان، انفجار در فرودگاه کابل توسط داعش در ۴ شهریورماه ۱۴۰۰ بود که در پی آن ۲۰۰ کشته و زخمی به جای گذاشت.

قدرت گرفتن داعش خراسان می‌تواند برای طالبان افغانستان هم تهدید باشد و هم فرصت. تهدید در این است که داعش خراسان توانایی جلب فراری‌های طالبان و جنگجویان خارجی را دارد و می‌تواند بی‌ثباتی را به حدی برساند که امید سرکردگان عمل‌گرای طالبان برای توسعه اقتصادی را از بین ببرد. فرصت هم در این واقعیت نهفته است که همه دولت‌ها در منطقه افغانستان و همچنین ایالات متحده و اروپا از داعش خراسان هراس دارند و این، به معنای فرصت طالبان برای جلب حمایت همه این کشورها در مبارزه علیه داعش خراسان است. در حالی که داعش خراسان با حملات تروریستی در جهت بی‌ثباتی افغانستان، جلوگیری از رشد اقتصادی، سقوط حکومت طالبان و تبدیل افغانستان به پایگاه جهاد بین‌المللی تلاش می‌کند، طالبان می‌تواند از همه این مسائل برای درخواست برای کمک‌های بین‌المللی به ویژه از

چین، روسیه و غرب و در راستای تقویت دولت خود در برابر داعش خراسان استفاده کند. (Lieven, Quincy Inst, August 26, 2021).

ضمن آنکه، به نظر می‌سد که یکی از اهداف اصلی داعش از حضور در افغانستان، رسیدن به مرزهای ایران و آسیای مرکزی است. کشورهای آسیای مرکزی مسلمان نشین بوده و جریان های اسلام‌گرای افراطی مانند جنبش اسلامی ازبکستان و حزب اسلامی ترکستان، حزب التحریر و سایر گروه‌های افراط‌گرا زمینه مناسبی جهت پیوستن به جنگجویان داعش دارند. رسیدن داعش به کشورهای آسیای مرکزی و تقویت جبهه‌های خود در این کشورها به معنی ناامن شدن تنها حوزه نفوذ و منافع روسیه به شمار می‌رود که از دوران اتحاد جماهیر شوروی باقی مانده است. این وضعیت دقیقاً در مورد ایران هم مطرح است با این تفاوت که افغانستان با منطقه حوزه نفوذ روسیه هم مرز است و حائلی میان آن کشور و فدراسیون روسیه وجود دارد، اما داعش در افغانستان با جمهوری اسلامی ایران هم مرز است و آسیب‌پذیری کشور را به نحو چشمگیری ارتقاء می‌دهد (چگینی زاده و دیگران، ۱۴۰۰: ۱۲۲).

در نتیجه با توجه به اشتراکات فرهنگی، سیاسی و ... ج. ا. ایران با کشورهای آسیای مرکزی، حضور و نفوذ داعش در این منطقه و تبعاتی که مطرح شد، از یک سو به صورت مستقیم منافع و امنیت ملی ایران مورد تهدید قرار خواهد گرفت و از سوی دیگر؛ مشکلات و چالش‌های کشورهای آسیای مرکزی ناشی از فعالیت و نفوذ داعش در این منطقه، به صورت غیر مستقیم منافع و امنیت ایران را متأثر خواهد ساخت.

نتیجه‌گیری

به دلیل وجود شرایطی چون بی‌ثباتی‌های سیاسی و اقتصادی، ناکارآمدی دولت‌ها، فقر، بیکاری، ضعف اندیشه‌های اسلامی و برداشت سطحی از اسلام در کشورهای آسیای مرکزی، زمینه برای حضور و نفوذ گروه‌های تکفیری افراط‌گرا از جمله داعش در این منطقه فراهم شده است. علاوه بر این، به دلیل مزایای موجود در آسیای مرکزی، این منطقه اهمیت زیادی برای گروه‌های تکفیری جهت نفوذ دارد؛ اهمیت ترانزیتی این منطقه جهت تجارت مواد مخدر و کالاهای قاچاق، دارا بودن منابع انرژی گسترده که سبب رقابت قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای و بین‌المللی در این منطقه شده است و همچنین موقعیت جغرافیایی ویژه این منطقه برای داعش از لحاظ نزدیکی جغرافیایی به روسیه و ایران، پاکستان و افغانستان. دولت‌های فرومانده

و شکننده کشورهای آسیای مرکزی شرایط را برای تقویت گروه های افراط گرا از جمله داعش را فراهم کرده است. در واقع، فقر و بیکاری، بی ثباتی سیاسی و اقتصادی، ضعف و ناکارآمدی دولت های این منطقه و جذابیت های تبلیغی داعش از لحاظ اندیشه ای و مالی، بسترهای گرایش مردم این منطقه به این گروه های افراط گرا را فراهم کرده است. با توجه به روند موجود به نظر می رسد که در صورت عدم تدبیر مناسب از سوی کشورهای ذینفع، حضور گروه های افراطی در این منطقه افزایش و فعالیت های آن ها جدی تر شود. از سوی دیگر، حضور داعش در منطقه که با تسلط طالبان بر افغانستان نیز فعال تر شده است، علاوه بر پیامدها و خطرات عمده سیاسی، رشد اقدامات تروریستی، تجزیه کشورهای منطقه و درگیری های شدید قومی و مذهبی در منطقه، سبب فرسایش قدرت امنیتی ایران در طول مرزهای شرقی و افزایش تعهدات فراملی کشور خواهد شد. در این راستا جمهوری اسلامی ایران، نقشی اساسی در مبارزه با داعش دارد و آن مربوط به منطقه جغرافیایی (نقطه اتصال سه منطقه تحت فعالیت داعش)، دارا بودن یک دولت ملی قوی که به طور طبیعی با افراط گرایی سنی در مبارزه است، و انگیزه قوی ایران در حفظ امنیت ملی کشور و نیاز متقابل ایران و سایر بازیگران فرامنطقه ای در سرکوب و شکست داعش می شود. از این رو راهکارهای ذیل پیشنهاد می شود:

۱. تمرکز بر «همگرایی منطقه ای و فرامنطقه ای» و به عبارتی «همکاری با دولت های مرکزی برای ادغام اقتصادی و سیاسی- امنیتی»؛ توسعه همکاری های اقتصادی و تجاری خراسان و گلستان به عنوان سه استان مجاور با منطقه آسیای مرکزی؛
۲. تمرکز بر مناسبات امنیتی- انتظامی با کشورهای آسیای مرکزی در مقابله مشترک با افراط گرایی، تروریسم و قاچاق مواد مخدر که مهم ترین استراتژی ایران برای مقابله با این پدیده می باشد که در این راستا عضویت دائم ایران در سازمان شانگهای که در شهریور ۱۴۰۰ محقق شد، می تواند گامی مثبت در این جهت باشد؛
۳. همکاری های استراتژیک ایران و روسیه نیز با توجه به دارا بودن منافع مشترک از تهدیدات داعش؛
۴. تلاش جهت گسترش مناسبات فرهنگی میان ایران و کشورهای آسیای مرکزی، به طوری که فعالیت های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، تهدیدی برای ارزش های این کشورها محسوب نشود؛

۵. تلاش دولت جهت افزایش رفاه و در نتیجه سواد و آگاهی مناطق مرزی ایران به خصوص مرزهای شرقی که زمینه حضور و فعالیت گروه های تروریستی و اقدامات تروریستی را دارد، می تواند چالش های امنیتی حضور داعش در مرزهای ایران به خصوص مرزهای شرقی و شمال شرقی ایران را کاهش دهد. به خصوص باتوجه به تحولات اخیر افغانستان و تسلط طالبان بر این کشور و متعاقباً افزایش اقدامات و فعالیت های تروریستی داعش در این کشور، اهمیت توجه به مرزهای شرقی و شمال شرقی کشور در ابعاد مختلف اقتصادی، فرهنگی و آموزشی را دوچندان می کند.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- ابراهیمی، نبی الله (۱۳۴۹)، «تاملی بر مبانی و فرهنگ مکتب کپنهاگ»، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و یکم، شماره ۲، صص ۴۵۸-۴۳۹.
- احمدی فشارکی، حسنعلی و اسماعیلزاده امامقلی، یاسر (۱۳۹۵)، «داعش و امنیت ایران با تکیه بر مکتب کپنهاگ»، فصلنامه پژوهش های راهبردی سیاست، سال پنجم، شماره ۱۸، پاییز، شماره پیاپی ۴۸، صص ۱۴۰-۱۲۳.
- اسلامی، محسن؛ ایاز، بهروز (۱۳۹۶)، «بررسی علل نفوذ داعش در آسیای مرکزی و پیامدهای احتمالی آن»، فصلنامه پژوهشهای راهبردی سیاست، سال ششم، شماره ۲۱، تابستان، صص ۲۵۰-۲۲۰.
- اکینر، شیرین (۱۳۸۳)، نقی زاده، سعید؛ «اسلامگرایی اسلام در آسیای مرکزی در دوره پس از شوروی»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، دوره ۱۲، شماره ۴۵، بهار، صص ۱۶۰-۱۱۳.
- برزگر، کیهان، (۱۳۹۵)، دستور کار مبارزه با تروریسم در خاورمیانه، سخنرانی در کنفرانس جنگ علیه تروریسم برای امنیت جهانی و حفاظت از زیرساخت های حیاتی در رومانی، شفقتنا، ۱۸ خرداد.
- بوزان، باری (۱۳۷۹)، «آشنایی با مکتب کپنهاک در حوزه مطالعات امنیتی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال سوم، شماره سوم، پاییز، صص ۱۵-۹.

چگنی زاده، غلام علی؛ سجاد پور، سید کاظم و جهانبخش، محمد تقی (۱۴۰۰)، «پیامدهای گسترش حضور داعش در افغانستان بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز**، دوره ۲۷، شماره ۱۱۳، بهار، ۱۲۹-۱۰۷.

حسین زاده، نصرالله (۱۳۹۴)، «بررسی تاریخی اوضاع اجتماعی- سیاسی مسلمانان منطقه آسیای مرکزی (در قرن دوازدهم تا بیستم)»، **پژوهش های منطقه ای**، دوره جدید، شماره ۱۵، بهار، صص ۶۵-۱۰۴.

شعردوست، علی اصغر (۱۳۹۲)، **جایگاه آسیای مرکزی در نظریه های ژئوپلیتیک و چالش قدرت های منطقه ای و فرامنطقه ای**، خبرگزاری ایسنا.

طباطبایی، محمدجواد؛ فتحی، سیدمحمد (۱۳۹۳)، «تحول مفهوم امنیت در ناتو پس از جنگ سرد بر اساس مکتب کپنهاگ»، **فصلنامه مطالعات راهبردی جهانی شدن**، سال پنجم، شماره چهاردهم، صص ۷-۴۲.

کولایی، الهه (۱۳۹۰)، **جنبش اسلامی در قفقاز شمالی: در جستجوی خدا و آزادی، واکنش های صوفیان به پیشروی روسیه در قفقاز شمالی**، تهران: انتشارات علم.

کولایی، الهه (۱۳۸۴)، **بازی بزرگ جدید در آسیای مرکزی- زمینه ها و چشم اندازها**، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.

نصری، قدیر (۱۳۸۱)، «مکتب کپنهاک، مبانی نظری و موازین علمی»، **مطالعات دفاعی و امنیتی**، شماره ۳۳، زمستان، صص ۳۳ تا ۵۸.

ب) روزنامه ها، وبسایت ها و خبرگزاری ها

انتشار پیام منتسب به ابوبکر البغدادی / رهبر داعش عربستان، روسیه و آمریکا را تهدید کرد» (۱۳۹۴)، **خبرگزاری ایسنا**، ۶ دی.

اولین عملیات داعش در روسیه، (۱۳۹۵)، **روزنامه دنیای اقتصاد**، ۲۵ فروردین.

داعش برای جذب کاربران روسی در اینترنت برنامه ریزی کرده است، (۱۳۹۴)، **خبرگزاری ایرنا**، ۲۶ تیر.

داعش روسیه را تهدید به حملات تروریستی کرد، (۱۳۹۴)، **خبرگزاری ایرنا**، گرفته شده ۱۶ اسفند.

داعش روسیه را تهدید به حمله کرد، (۲۰۱۶)، **دویچه ووله**، ۱ آگوست.

دبیرخانه کنگره جهانی مقابله با جریان های افراطی و تکفیری، (۱۳۹۵)، ۲۵ فروردین.

عاصی، تمیم، (۱۳۹۷)، «داعش شاخه خراسان چیست؟»، **وبسایت ۸ صبح**، ۸ آبان (عقرب).

ناجی، محمد سالم (۱۳۹۸)، «تقویت دوباره داعش در خاورمیانه و مخاطرات امنیتی آن در افغانستان»، روزنامه افغانستان ما، ۲۱ مهر (میزان).

ج) منابع انگلیسی

- Asey, T., (July 29, 2015), "War s' Afghanistan in Stake s' Asia Central", **The Diplomat**, available at: <https://thediplomat.com/2015/07/central-asias-stake-in-afghanistans-war/>
- Barzegar, K., (February 8, 2015), "To Defeat ISIS, Get Iran on Board", **Foreign Affairs**, available at: <https://www.foreignaffairs.com/articles/iran/2015-02-08/defeat-isis-get-iran-board>.
- Balci Bayram (2018), **Islam in Central Asia and the Caucasus since the Fall of the Soviet Union**, Hurstpublishers.
- Bhulia, S., (Dec 12, 2019), "How Economic Growth in Tajikistan and Kyrgyzstan Masks the plight of their Poorest", **Eurasianet**, available at: <https://eurasianet.org/how-economic-growth-in-tajikistan-and-kyrgyzstan-masks-the-plight-of-their-poorest>
- Byrne, H., Krzyzaniak J., Qasim Khan (2015), "The Death of Mullah Omar and the Rise of ISIS in Afghanistan", **Institute for the Study of War**, Available at: <https://www.files.ethz.ch/isn/193215/Mullah%20Omar%20Backgrounder.pdf>, Accessed on: 20 November 2020.
- Charap, S., and other (2019), "Understanding Russia's Intervention in Syria", **Rand Corporation**, Available at: https://www.rand.org/pubs/research_reports/R3180.html, (Accessed on: 2019).
- Epstein J, Haltiwanger J., (2021), "The Pentagon Says Thousands of ISIS-K Prisoners Went Free after the Taliban Seized Afghanistan", **Business Insider**, Aug 27, 2021, available at: <https://www.businessinsider.com/thousands-isis-k-prisoners-freed-after-taliban-takeover-2021-8>
- Ghilan, M., (2014), "The Consequences of Not Challenging the Islamic State", **Aljazeera**, <https://www.aljazeera.com/opinions/2014/8/2/the-consequences-of-not-challenging-the-islamic-state>
- Giustozzi, Antonio (2016), "The Islamic State in 'Khorasan': a nuanced view", **RUSI**, Available at: <https://rusi.org/commentary/islamic-state-khorasan-nuanced-view>.
- Kurecic. P., (2010), "The New Great Game: Rivalry of Geostrategies and Geoeconomies in Central Asia, Critical Review", **Hrvatski Geografski Glasnik**, 72(1):21-48. P. 23.

- Lieven A. (2021), "Who are the Islamic State in Afghanistan?" **Quincy Institute**, August 26, 2021, available at: <https://responsiblestatecraft.org/2021/08/26/who-are-the-islamic-state-in-afghanistan/>.
- Mori, S., Taccetti, L., (2016), "Rising Extremism in Central Asia? Stability in the Heartland for a Secure Eurasia", **European institute for Asian Studies**, P, 9. Available at: https://www.eias.org/wp-content/uploads/2016/04/EIAS_Briefing_Paper_2016_Mori_Taccetti_Central_Asia.pdf?_ga=2.19270653.43689212.1634626903-642868580.1634626903.
- Namatov N., (2014), **the Religious Extremism in Central Asia: Expansion of Taliban in Central Asia after the Withdrawal ISAF Troop of NATO Coalition from Afghanistan in 2014**, LAP LAMBERT Academic Publishing.
- Oligie, C. N., (2019), "Why Russia is Involved in the Syrian Civil War: One Issue, Many Views", **AUDRI**, Vol. 12, no 1/2019, pp. 93-136, Available at: http://journals.univ-danubius.ro/index.php/international_lis/article/view/5853/5129.
- Singh R., M., (June 11, 2007), "The Caspian Pipeline Deal and Russia's Energy Strategy in Central Asia", **Strategic Comment, Institute for Defence Studies and Analyses**, available at: https://idsa.in/idsastrategiccomments/TheCaspianPipelineDealandRussiasEnergyStrategyinCentralAsia_MSRoy_110607.